نگاه

دریچه‌ای بر روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوره سلطنت پهلوی دوم

چند و چون یک «ارتباط ناشناخته!»

■ محمدرضا کائینی

ارتباط ایران و اسرائیل در دوره سلطنت پهلوی دوم، در زمره مهم‌ترین مدخل‌های پژوهش تاریخی، درباره این مقطع از تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. سوگ‌مندانه در این باب و به اندازه اهمیتی که دارد، پژوهش‌های درخور صورت نگرفته و ماهیت موضوع، چنان که باید شفاف نشده است! اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در زمره اندک آثاری است که نورتاباندن بر زوایای این ارتباط ناشناخته را در دستور کار خویش قرار داده است. «امریکای کوچک» توسط رضا زارع فاروغی تألیف شده و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، آن را به زیور طبع آراسته است. مؤلف در دیباچه این کتاب، در باب موضوع آن و نیز کیفیت طرح مسئله در این پژوهش، چنین آورده است:

«کتاب ارتباط ناشناخته -که به بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل می‌پردازد- در سال ۱۳۸۴ به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در ۴۵۰ صفحه انتشار یافت و در برخی از همایش‌ها، مقام اول تا سوم را کسب کرد. این کتاب در پاورقی روزنامه کیهان قبل از چاپ و در پاورقی روزنامه جمهوری اسلامی بعد از چاپ، به طور کامل منتشر شد و قرار است به زودی چاپ جدید آن انتشار یابد. اما از آنجایی که حجم کتاب نسبتاً زیاد است، مسئولان مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به نگارنده پیشنهاد کردند تا کتاب را برای جوانان به ویژه دانشجویان عزیز، خلاصه کند.

کتاب پیش رو تحت عنوان امریکای کوچک، افزون بر خلاصه کتاب ارتباط ناشناخته، دو فصل جدید دارد که آن را از کتاب مورد اشاره متمایز می‌کند. یکی فصل اول، تحت عنوان چگونگی پیدایش صهیونیسم

دیدار هرمز قریب رئیس تشریفات وزارت دربار پهلوی با موشه دایان وزیر جنگ اسرائیل، هنگام سفر به ایران

و اشغال سرزمین فلسطین که به سه مقطع زمانی و تلاش صهیونیست‌ها با حمایت قدرت‌ها برای دستیابی به عناصر اصلی تشکیل دهنده یک کشور، یعنی سرزمین، جمعیت و دولت می‌پردازد و دیگر، فصل پایانی که تحت عنوان امریکا و شیطان کوچک، به موضوعاتی از جمله: دلایل نگاه شاه به اسرائیل به عنوان امریکای کوچک و نگاه پس از انقلاب اسلامی به پدیده اسرائیل به عنوان شیطان کوچک، دلایل علاقه‌مندی اسرائیل به ارتباط با ایران، پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین گام استراتژیک در حمایت از فلسطین و محورهای آسیب‌پذیری اسرائیل و در انتها، به پیش‌بینی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری درباره آینده اسرائیل مبنی بر اینکه اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، اشاراتی خواهد داشت. روابط ۳۰ساله ایران و اسرائیل به اندازه‌ای ناشناخته است که می‌توان آن را از اسرارآمیزترین و ناشناخته‌ترین روابطی دانست که با هیچ یک از کشورهای دیگر خاورمیانه، قابل مقایسه نیست. یعقوب نیمرودی به عنوان یکی از فعال‌ترین نمایندگان اسرائیل در تهران- که به مدت ۱۳ سال در ایران بوده است و این دوران را شادترین دوران زندگی‌اش می‌داند- در این باره اظهار می‌کند: اگر روزی به تو اجازه دهند از کارهایی که ما در تهران انجام داده‌ایم، آگاه شوی، از آنچه می‌شنوی وحشت‌خواهی کرد و حتی نمی‌توانی آن را تصور کنی! بنابراین، با توجه به مواضع ایران اسلامی در برابر اسرائیل و جایگاه ویژه فلسطین در نزد مسلمانان و بحران‌آفرینی رژیم صهیونیستی و لزوم دشمن‌شناسی، ضرورت شناخت و فهم دقیق و عمیق‌تر شیطان کوچک از زوایای مختلف، به منظور تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های راهبردی و رفتار مناسب در برابر آن، در حال حاضر و آینده، امری بدیهی و آشکار است.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از زحمات مسئولان محترم مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و متصدیان مؤسسه فرهنگی- هنری مطالعات مرودشت‌شناسی -که نقش ویژه‌ای در به انجام رساندن پژوهش حاضر داشتند- قدردانی و تشکر کنم.»

نمایی از هیئت عزاداری نوباوگان قنات‌آباد تهران

گذری بر سیر تاریخی پیدایش و تکامل زمینه‌خوانی در عزاداری حسینی(ع)

بر حذر از روضه‌های بی‌سند و سبک‌های موسیقایی غربی!

■ علی عابدی

مقال پی آمده، تاریخچه و فراز و فرودهای سبک «زمینه‌خوانی» در عزاداری حسینی را بازخوانده است. امید آنکه محرم‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

به شهادت تاریخ، از دوره صفویه به بعد، عزاداری برای سیدالشهدا(ع) و یاران باوفای آن حضرت، در همه جای کشور پهناور ایران رایج شد. مردم هر شهر و دیار، با هر نوع گویش و فرهنگی که داشتند، در ایام ماه‌محرم و صفر برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، مجالس عزاداری برگزار می‌کردند یا برپایی مجالسی مانند: روضه‌خوانی، تعزیه، مجالس مقتل‌خوانی یا مجالس وعظ و خطابه، عشق و ارادت خود را به پیامبر(ص) و ائمه‌معصومین(ع) و سالار شهیدان(ع) و شهدای کربلا ابراز می‌کردند. در گذر زمان این مراسم و مجالس، منظم‌تر و کامل‌تر می‌شد و روحانیون نقش بسزایی در ترویج فرهنگ عاشورا داشتند و همواره این مجالس، توسط خود مردم به طور خودجوش برگزار می‌شد. عشق و محبت به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، با جان مردم سرزمین ایران عجین شده است. این عشق آسمانی است و مردم ایران در همه عصرها، زمان‌ها و حکومت‌ها، ثابت کرده‌اند که هرگز از حسین(ع) جدا نخواهند شد.

■ **در معنای «زمینه‌خوانی»**

پیش از اینکه به تاریخچه آیین زمینه‌خوانی بپردازم، لازم می‌دانم که به معنی کلمه زمینه‌خوانی اشاره‌ای کنم. در بعضی از منابع و نیز در جلسات بعضی از مداحان، کلمه زمینه‌خوانی به کار رفته و در تعریف آن می‌گویند: در شروع مجلس سینه‌زنی راسته‌خوانی(دو دستی)، ابتدا زمینه‌خوانی می‌کنیم و ابیاتی در قالب و وزن نوحه بین چند مداح یا میان‌دار رد و بدل می‌گردد، تا مجلس آماده شود. اما باید گفت آنچه این عزیزان آن را زمینه‌خوانی می‌نامند، دوره‌خوانی است! زمینه‌خوانی یک آیین است و آداب خاص خود را دارد. همچنین نوحه‌های آیین زمینه‌خوانی، حتماً در یکی از دستگاه‌های موسیقی یا گاهی در چند دستگاه موسیقی، سروده شده است و سبک سینه‌زدن آن، بسیار متفاوت با دیگر سبک‌های سینه‌زنی و عزاداری است. زمینه‌خوانی سبکی است که مرحوم مشکین ابداع و نوحه‌ها در این سبک، همه در دستگاه‌های مختلف موسیقی سروده شده است. از شروع تا پایان مجلس زمینه‌خوانی، سینه‌زن‌ها به همراه میان‌دار روی زمین می‌نشینند و فقط مداح (نوحه‌خوان) می‌ایستد و از آنجا که سینه‌زنان با یک دست سینه‌زنی می‌کنند، معروف به سینه‌زنی یک‌دستی شده است. همچنین در این نوع سینه‌زنی و عزاداری -که برگرفته از بعضی قواعد آیین سخنوری است- در اکثر نوحه‌ها، سؤال و جواب قرار دارد و حالت مشاعره بین مداح (نوحه‌خوان) با میان‌دار اجرا شده است. حال با توجه به شرح معنی کلمه زمینه‌خوانی، به پیدایش این آیین فاخر خواهم پرداخت.

■ **پایه‌گذاری زمینه‌خوانی، به سبک زنده‌یاد مشکین**

در زمان قاجاریه مردم ایران، با برپایی مجالس تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی و استماع وعظ در ایام ماه‌محرم و صفر، برای سیدالشهدا(ع) و شهدای کربلا و نیز سالروز شهادت ائمه(ع)، عزاداری می‌کردند و در اکثر شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها نیز به همین روال با گویش‌های مختلف، مجلس عزا بر پا می‌نمودند. در اواخر حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار، آیین عزاداری به سبک زمینه‌خوانی، توسط مرحوم حاج‌حسین‌بابا متخلص به «مشکین» ابداع شد و دوست و همشهری او عارف قزوینی، در تنظیم آهنگ نوحه‌ها به وی کمک فراوانی کرد و از آنجا که هر دو موسیقیدان و شاعر بودند، در خلق این آثار هنرمندانه کوشیدند. استاد این حقیر مرحوم حاج‌رضا تابش‌اکبری (خوشنویس) -که از شاگردان مرحوم مشکین بوده و از نوابغ آیین زمینه‌خوانی و سخنوری محسوب می‌شود- نقل می‌کرد: «مرحوم مشکین حدود شش، هفت سال، از مرحوم عارف قزوینی بزرگ‌تر و از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود. وی در کودکی و نوجوانی، ادبیات فارسی و ادبیات عرب و همچنین موسیقی را فرا گرفت. پس از عزیمت به تهران، در محله امامزاده یحیی(ع) ساکن شد. وی به غیر از اینکه موسیقی را خوب می‌دانسته، تار و سه‌تار را به زیبایی می‌نواخته است و در سرودن اشعار، طبعی بسیار روان و شیوا و نیز در خواندن نقل، تبحر ویژه‌ای داشته است. چنانکه در جوانی و در حدود سال ۱۲۷۰، با شرکت در یکی از مجالس نقالی که ناصرالدین‌شاه قاجار ترتیب داده بود، داستان کُشته شدن سهراب را آنچنان زیبا نقل می‌کند که شاه به وجد آمده و اسبی را به عنوان صله به او هدیه می‌دهد! در اواخر دوره مظفری، مرحوم با همکاری عارف قزوینی، اقدام به سرودن نوحه‌هایی در دستگاه‌ها و گوشه‌های مختلف موسیقی کرد. این نوحه‌ها هر کدام در یکی از دستگاه‌های موسیقی و گاهی نیز در چند دستگاه سروده شده است، یعنی شروع نوحه با یکی از دستگاه‌هاست و در ادامه گام نوحه، بسیار هنرمندانه عوض شده و به گوشه‌ها و پرده‌های دیگر رفته و سپس به همان دستگاهی که نوحه با آن شروع شده، رجعت می‌شود و پایان می‌پذیرد. این گونه نوحه سرودن از کسی برمی‌آید که با همه دستگاه‌های موسیقی آشنا باشد. نکته‌های ظریفی که در نوحه‌های مشکین وجود دارد، گواه این است که او شاعری توانمند و موسیقیدانی بسیار کاربلد بوده است. مضافاً آنکه هر آنچه در قالب نوحه سروده شده، همه برگرفته از مقاتل و روایات صحیح کتب شیعی مانند: لهوف سید ابن طاوس و منتهی‌الامال حاج شیخ عباس قمی و دیگر بزرگان شیعه بوده است...»

رضاخان در واپسین سالیان سلطنت

> در دوره پهلوی اول، محدودیت‌های ایجاد شده برای برپایی مراسم عزاداری، موجب خلاقیت شد و سبک مرحوم مشکین -که در تهران و شهرری در مساجد و حسینیه‌ها اجرا می‌شد- با فشار حکومت به مردم در خصوص منع عزاداری علنی، در خانه‌ها و مجالس مخفی ترویج یافت و در همان زمان خفقان به اوج شکوفایی رسید!

■ **شکوفایی «زمینه‌خوانی» در اوج اختناق پهلوی دوم!**

در دوره پهلوی اول، محدودیت‌های ایجاد شده برای برپایی مراسم عزاداری، موجب خلاقیت شد و سبک مرحوم مشکین -که در تهران و شهرری در پاتوق‌ها و مساجد و حسینیه‌ها اجرا می‌شد- با فشار حکومت به مردم در خصوص منع عزاداری علنی در کوچه و بازار، در خانه‌ها و مجالس مخفی ترویج یافت و در همان زمان خفقان به اوج شکوفایی رسید. آیین عزاداری به سبک زمینه‌خوانی را می‌توان مادر سینه‌زنی در ایران نامید؛ چراکه تا قبل از اینکه مرحوم حاج مرزوق و دیگران سبک (دو دستی) را از کشور عراق، به ویژه کربلای معلی به ایران بیاورند و ترویج دهند، سبک عزاداری به آیین زمینه‌خوانی در تهران و شهرری، در پاتوق‌های عزاداری به اوج شکوفایی رسیده بود. مرحوم حاج حسین‌بابا ذهن بسیار خلاقی داشت و غیر از سرودن اشعار در قالب‌های مختلف، در عرصه نقالی و نیز سرودن اشعار نقالی، ید طولایی داشت که طومارنامه وی گواه بر این مدعاست.

در سال ۱۳۰۴، پس از اینکه رضاخان بر مسند حکومت تکیه زد و خاتمه دوره قاجاریه را اعلام کرد، برای تضمین قدرت مطلق خود و منافع انگلستان، دست به اقدامات زیادی زد. از جمله اینکه به بهانه ایجاد نظمی نوین، با هر آنچه بوی مذهب و دین می‌داد، شدیداً برخورد کرد! در همین راستا یکی از برنامه‌های او، برخورد با آیین‌های مذهبی‌ای بود که از گذشته مرسوم بودند یا چند سالی بود که شکل گرفته بودند و به‌ویژه اقامه شعائر دینی و مراسم عزاداری برای ائمه‌معصومین(ع). زیرا رضاخان وظیفه داشت تمامی عناصر و ظرفیت‌های مقاومت‌آفرین مردم ایران و در رأس آنها حماسه شورانگیز عاشورا را از بین برده و از اذهان بزداید، به همین سبب با شدت فراوان برای از بین بردن این آیین‌ها، کمر همت را بست! مرحوم خوشنویس نقل می‌کرد: «در آن سال‌ها، من جوان بودم و مرحوم مشکین تقریباً ۵۲ و ۵۳ ساله بود و همه سعی و تلاش خود را به کار بست تا نوحه‌هایی بسراید که ماندگار باشند. با فشارهایی که از طرف حکومت برای منع عزاداری سیدالشهدا(ع) اعمال می‌شد و ترس و وحشتی که بین مردم حاکم شده بود، خوشبختانه آیین زمینه‌خوانی با مرکزیت یافتن خانه‌های مردم برای اقامه عزا در همان عصر خفقان شکوفا شد.» یکی از نکات جالبی که مرحوم خوشنویس از مرحوم مشکین می‌گفت، دوراندیشی و تیزبینی او در خصوص اتفاقات جامعه بود. ایشان می‌گفت: «قبل از اینکه رضاخان دستور کشف حجاب را در سال ۱۳۱۴ بدهد، یک شب در جلسه‌ای که جمعی از دوستانم حضور داشتند، حدوداً سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۰۶، مرحوم مشکین گفت: روزی برسد که خیلی هم دیر نیست و این مردک دستور می‌دهد که چادر از سر هر زن مسلمان بردارند... و چنین شد!» در آن سال‌های خفقان در تهران و شهرری، چندین پاتوق عزاداری به سبک آیین زمینه‌خوانی، شروع به فعالیت کردند و شاعران خوش‌ذوق و با استعداد با تبعیت از مرحوم مشکین، به سرودن نوحه‌های زمینه‌خوانی پرداختند. شاعرانی مانند: مرحوم مبهوت، مرحوم خاکی، مرحوم مفلوک، مرحوم مشفق و تنی چند در این خصوص، نوحه سروده‌اند. اما به گفته همه اهل فن، در عرصه زمینه‌خوانی نوحه‌های مرحوم مشکین، همیشه در ردیف اول قرار داشته و از نظر موسیقایی و آهنگ، جزو نوحه‌های فاخر محسوب می‌شود.

> اواخر حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار، آیین عزاداری به سبک زمینه‌خوانی، توسط مرحوم حاج حسین‌بابا متخلص به «مشکین»، ابداع شد و دوست و همشهری او عارف قزوینی، در تنظیم آهنگ نوحه‌ها به وی کمک فراوانی کرد و از آنجا که هر دو موسیقیدان و شاعر بودند، در خلق این آثار هنرمندانه کوشیدند و آن را بسط دادند

■ **فرجام عارفانه زنده‌یاد مشکین!**

یکی دو سال بعد از اجرای قانون کشف حجاب، یعنی حدوداً سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۵ خورشیدی، مرحوم مشکین برای دیدار دوستان و جمعی از بستگان و اقوام خود، به شهر قزوین می‌رود و پس از آن دیگر به تهران رجعت نمی‌کند و کسی از چگونگی و محل فوت وی، خبر ندارد! مرحوم خوشنویس در این خصوص می‌گفت: «یکی دو سال بعد از اجرای قانون کشف حجاب، چند مرتبه مرحوم مشکین بیمار شد و برای بار آخر من و یکی از شاگردان مرحوم مشکین به نام مرحوم حسینعلی آتش‌انداز -که از سخنوران و مداحان بسیار برجسته بود- برای دیدن مرحوم مشکین و عیادت از وی، به منزلش در محله امامزاده یحیی(ع) رفتیم. مرحوم مشکین بسیار خوشحال شد و حال او نیز رو به بهبود بود. پس از ساعتی که با وی ملاقات کردیم، متوجه شدیم که مرحوم مشکین برای دیدار با دوستان و جمعی از اقوام و بستگان خود، چند روز دیگر عازم شهر قزوین خواهد شد و به مسافرت می‌رود... .» مرحوم خوشنویس نقل می‌کرد: مرحوم مشکین هیچ وقت ازدواج نکرد و آن خانه هم استیجاری بود و مرحوم مشکین در تجرد و بسیار درویش‌وار زندگی و هیچ علاقه‌ای به مال دنیا نداشت! او عارفی به تمام معنا و بسیار علاقه‌مند به سیدالشهدا(ع) بود. هر گاه می‌خواست نوحه‌ای برای سیدالشهدا(ع) و شهدای کربلا بسراید، ابتدا تار می‌نواخت و به جای زخمه از سر انگشتانش استفاده می‌کرد و آنچنان غرق در معنویت می‌شد که گاهی از سر انگشتانش خون می‌چکید و با ناله و اشک، شروع به سرودن نوحه‌های زمینه‌خوانی می‌کرد. وی درباره سرنوشت مرحوم مشکین می‌گفت: «چند روز بعد از آن دیدار، مرحوم حسینعلی آش‌انداز به من گفت: امروز مشکین به شهر قزوین سفر کرد. بعد از آن دیگر هیچ خبری از مرحوم مشکین به ما نرسید و من چندین سال در جست‌وجوی او بودم، اما متأسفانه کسی از وی خبری نداشت!...» آثار زیادی از مرحوم مشکین، در دستگاه‌ها و بیاض‌های نوحه‌خوانان موجود است. دو جلد کتاب که بعضی از اشعار و نوحه‌ها را ناقص در آن گردآوری کرده‌اند نیز در اختیار عموم می‌باشد و همچنین آثاری از نقالی و طومارنامه وی نیز در دست است. مرحوم مشکین اشعار زیادی در قالب غزل، قصیده، مسمط، رباعی و نیز در نقالی طومارنامه و همچنین اشعاری برای سخنوری و نیز مجموعه نوحه‌های زمینه‌خوانی دارد. همچنین مجموعه‌ای کامل شامل نوحه‌ای در هفت دستگاه موسیقی و همه پرده‌ها و گوشه‌های آن را با روایت مدینه تا مدینه و شرح‌حال حرکت سیدالشهدا(ع) از مدینه تا بازگشت اهل‌بیت به مدینه و اتفاق‌هایی که در بین راه افتاده است، در این نوحه سروده است که کاری بسیار فاخر و ارزشمند و بی‌نظیر بوده و فقط با عنایت خدا و سیدالشهدا(ع) امکانپذیر است.

■ **زمینه‌خوانی پس از خلع و اخراج رضاخان از ایران**

از سال ۱۳۲۰ به بعد و با شروع حکومت پهلوی دوم، مردم کمی آزادانه‌تر و علنی برای حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) اقامه عزا می‌کردند و در تهران و شهرری غیر از پاتوق‌ها، در کنار سقاخانه‌ها نیز در شب‌های جمعه آیین زمینه‌خوانی برگزار می‌شد. این آیین، روزگاری در تهران و شهرری به اوج شکوفایی رسیده بود و آنقدر مردم علاقه‌مند به این نوع عزاداری و سینه‌زنی بودند که گاهی در هوای سرد زمستان، ساعت‌ها در کنار سقاخانه‌ها می‌ایستادند و نوحه‌خوانان به ترتیب کسوت می‌آمدند و یکی پس از دیگری، نوحه‌های زیبای زمینه‌خوانی را می‌خواندند و سوگواری و عزاداری می‌کردند. قبل از منع عزاداری در تهران، چند پاتوق زمینه‌خوانی در ایام هفته برگزار می‌شد و مداحان زیادی به یادگیری نوحه‌های زمینه‌خوانی روی آوردند و با صدایی خوش در این مجالس، به خواندن نوحه‌های زمینه‌خوانی می‌پرداختند. مداحانی مانند: مرحوم خوشنویس و مرحوم حاج احمد صالح که در عرصه سخنوری هم فعال بودند. سخنوران دیگری مانند: مرحوم ۴۰تن، مرحوم مهمدی بلبل و مرحوم ایرج باقرمشدی و دیگران نیز به یادگیری نوحه‌های زمینه‌خوانی پرداختند و با اجرای صحیح نوحه‌ها، به پاتوق‌ها رونق بیشتری بخشیده و جوانان نیز علاقه‌مند به یادگیری نوحه‌های این آیین شدند. هم زمان در محله‌های مختلف شهرری نیز چند پاتوق در ایام هفته به سبک زمینه‌خوانی عزاداری می‌کردند و با همه سختگیری‌هایی که از طرف حکومت می‌شد و ایجاد رعب و وحشتی که بین مردم حاکم شده بود، مجالس عزاداری و سینه‌زنی زمینه‌خوانی برگزار می‌شد. خوشبختانه مجالس زمینه‌خوانی در تهران و شهرری، همچنان در ایام هفته در پاتوق‌های مختلف برگزار می‌شود. علاوه بر اینکه این آیین، بر اثر فشار و برخوردهای حاکمان وقت با آیین‌های سنتی مذهبی و ملی، در تندباد حوادث روزگار قرار گرفت و این ناملایمات و کج‌سلیقگی‌ها، باعث کم‌نور شدن چراغ این آیین شد و علاوه بر اینکه فقط در چند پاتوق در تهران و شهرری با این آیین عزاداری می‌کنند، دلایل دیگری نیز باعث عدم رشد و شکوفایی این آیین شد.

■ **علل افول زمینه‌خوانی در مجالس عزاداری**

اولین دلیل این است که آیین زمینه‌خوانی، برگرفته از بعضی از قواعد سخنوری است و در آیین سخنوری و آیین زمینه‌خوانی، سخنور و نوحه‌خوان بایست همه دستگاه‌های موسیقی را فرا بگیرد و دقیقاً مرحوم مشکین، همه نوحه‌ها را در دستگاه‌های مختلف آوازی سروده است و اگر کسی بخواهد این نوحه‌ها را بخواند، می‌بایستی آشنا به علم موسیقی باشد و این برای همه نوحه‌خوانان امکانپذیر نبود و برای یادگیری دستگاه‌ها، می‌بایست سال‌ها متحمل تلاش و رنج فراوان می‌شدند و حتماً در خدمت یکی از استادان آواز شاگردی می‌کردند که این مهم در سبک عزاداری‌ای که مرحوم حاج مرزوق کربلایی ترویج می‌داد، لازم نبود!

دومین دلیل این است که در آیین زمینه‌خوانی، به کسوت بسیار اهمیت می‌دهند. یعنی اگر مجلس زمینه‌خوانی شروع شود و نوحه‌خوان دیر به مجلس برسد و از وقت خواندنش گذشته باشد و شخصی که از نظر کسوت از او بالاتر است در حال خواندن نوحه باشد، میان‌دار در آن مجلس، دیگر به نوحه‌خوانی که دیر به مجلس رسیده و از نوبت خواندنش گذشته است، اجازه خواندن نمی‌دهد و طبق کسوت و سلسله مراتب، نوحه‌خوانان را برای خواندن فرامی‌خواند و با ذکر یک صلوات، آن نوحه‌خوانی را که دیر به مجلس رسیده، تشویق می‌کند که در جلسات دیگر زودتر حاضر شود و در زمانی مناسب و طبق کسوت و رعایت نظم و اصول زمینه‌خوانی، در جلسه بعد به او اجازه خواندن می‌دهد. این احترام گذاشتن و رعایت کسوت، به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آمد و متأسفانه هنوز هم نمی‌آید! زیرا برخی افراد دوست داشتند که جزو نفرات آخر بخوانند و گاهی نیز عمداً، به مجلس دیر می‌آمدند و انواع بهانه‌ها را برای دیر آمدنشان ذکر می‌کردند که میان‌داران بدون توجه به این بهانه‌ها، به نوحه‌خوانانی که سلسله مراتب و کسوت را رعایت نمی‌کردند، اجازه خواندن نمی‌دادند. در واقع ادب و سلسله مراتب و کسوت، یکی از ارکان مهم این آیین به شمار می‌آید، ولی در سبک عزاداری دودستی، این رعایت نمی‌شود!

دلیل سوم این است که در آیین زمینه‌خوانی، اکثر نوحه‌ها دارای سؤال و جواب و به حالت مشاعره بین نوحه‌خوان و میان‌دار است و این نیز برگرفته از قوانین آیین سخنوری است. همچنین در آیین زمینه‌خوانی، گاهی اوقات میان‌دار برای نوحه‌خوان «زیردَم» می‌گیرد که این یک اصطلاح در زمینه‌خوانی است. در این موقع نوحه‌خوان می‌بایست در همان وزن که میان‌دار برایش «زیردَم» گرفته است، جواب دهد و اگر نوحه‌خوان نتواند جواب زیردَم میان‌دار را بدهد، میان‌دار در آن لحظه برایش «ریز» می‌کند، یعنی ضرب‌آهنگ سینه را تند می‌کند و او را می‌نشاند و دیگر به او اجازه نمی‌دهد در آن مجلس بخواند و این نیز، یکی دیگر از قوانینی است که از سخنوری گرفته شده است! البته این کار شاید به مذاق بعضی‌ها خوش نیاید، اما اگر کمی منطقی به این مقوله نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که همه این کارها، برای این است که سطح علم و سواد نوحه‌خوان و میان‌دار بالا برود و همه نوحه‌خوانان موظف باشند که اشعار و نوحه‌هایشان را از حفظ بخوانند تا ما شاهد برپایی مجالسی پُربار باشیم. این سختگیری‌ها برای خیلی از نوحه‌خوانان و میان‌دارها، خوشایند نبود و به همین علت از این آیین عزاداری دوری می‌کردند و جذب سبک عزاداری دودستی می‌شدند. البته اگر واقع‌بینانه به مقوله عزاداری برای سیدالشهدا(ع) نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد همه اشکال‌هایی که الان در سبک دودستی رایج است و اهل فن از آن ناراحتند و گاهی مقام معظم رهبری درباره بعضی از این کاستی‌ها ابراز نگرانی می‌کنند، همان دغدغه‌هایی است که مرحوم مشکین در ابتدا داشته و سعی کرده است آنها را به عنوان قوانینی لازم‌الاجرا در آیین عزاداری زمینه‌خوانی بگنجاند.

■ **منع جدی روضه‌های بی‌سند در زمینه‌خوانی!**

در نوحه‌های سروده شده توسط مشکین و شاعران مطرح دیگر در آیین زمینه‌خوانی، روضه دروغ و بی‌سند جایی ندارد و در هیچ کدام از نوحه‌های سروده شده برای آیین زمینه‌خوانی، اثری از سبک‌های بی‌مایه غربی نمی‌بینید، زیرا همه نوحه‌ها در دستگاه‌های آوازی اصیل ایرانی سروده شده است. اگرچه سبک عزاداری در آیین زمینه‌خوانی مانند سبک عزاداری دودستی، آنچنان به شهرت نرسید و مهجور ماند، اما به خاطر همین سختگیری‌ها که از ابتدا به عنوان قوانین لاینفک این آیین محسوب شده بود، مجالسی بسیار وزین و پرمحتوا برگزار می‌شد. چه اینکه در آیین زمینه‌خوانی، کمیت مهم نیست، بلکه کیفیت اهمیت دارد. بعضی از اشخاص به خاطر همان سختگیری‌ها که نتوانستند وارد عرصه زمینه‌خوانی شوند، در گوشه و کنار با بیان اینکه مجلس امام حسین(ع) است و این قوانین هیچ معنایی ندارد و هر کسی هر طوری دلش خواست بیاید بخواند، با خلط مبحث و مغلطه می‌خواهند کار مرحوم مشکین را بی‌ارزش کنند، اما باید گفت که در حال حاضر، همه نگرانی‌های علما و رهبری در خصوص مداحی، همین رعایت نکردن اصول است و ای کاش به جای اینکه آنقدر در مهجور کردن چنین آیین‌هایی هزینه می‌کنند، برای یادگیری و ترویج آن قدمی برمی‌داشتند!